

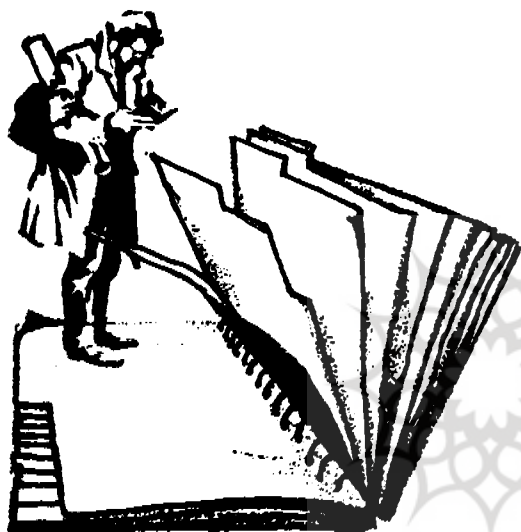
نقش حافظه در یادگیری

پرتال جامع علوم انسانی

حافظه نیز مثل زبان " هم بهترین و هم بدترین " است و گاهی حافظه را منتهم میکنند که در برابر هوش قد علم میکند و گاه آنرا برای هر نوع آموزش لازم و ضروری می‌شمارند که هر یک از این اظهار نظرها بجای خود از اهمیتی خاص برخوردار است . لطیفه‌ای در این مورد نقل می‌کنیم :



بهترین نمونه‌ای که در این مورد میتوان بآن اشاره کرد حافظه کودکان است که دست نخورده و پاک و هموار است که با بررسی طرز تشکیل و نحوه فعالیت آن میتوان بچگونگی کار حافظه در انسان پی برد .



کودک و حافظه

بشیر از اوان طفولیت در شبکه‌ای از احساس درگیر میشود و احساس وی نخستین یادگیری او را تشکیل میدهد . نقش پدر و مادر این‌میان چیست؟ اینان میکوشند تا بهترین عادات ممکن را در کودکان بوجود

مادر اولی - پسر من بخاطر حافظه خوبی که دارد شاگرد ممتاز شده .

مادر دومی - موقعی که انسان چیزی جز این نداشته باشد چنین وضعی پیش مآید!

اما انکار نمیتوان کرد که بدون حافظه حتی یک هفته هم قادر بادامه زندگی نخواهیم شد . حافظه برای عادات و بازتاب‌ها و رویهم برای اساس و شالوده روح و فکر ما حائز اهمیت بسیار است و در تمام زندگی ما نقش حساسی ایفا میکند .

شما در کدام طبقه قرار دارید؟

بازتاب‌های زیر از آن افراد متفاوتی است . حال هر کس میتواند جایگاه خود را مشخص کند :

- صبر کنید تا یادم بیاید... آن متن را هم اکنون در پیش رو دارم... درست در بالای صفحه سمت راست قرار داشت... در زیر یک لکه بود....

یا اینکه :

- این عطر مرا بیاد چیزی می‌اندازد... بیاد صحنه‌ای از دوران طفولیتم افتادم .

یا اینکه :

- موقع امتحان میخواستم جواب صحیح را بنویسم اما یادم نیامد... عجب اینکه دیشب آنرا بخوبی از بر کرده بودم .

از این ادعاها چه میفهمیم؟ اینکه حافظه‌ای درکار نیست و تنها خاطراتی در ذهن داریم، هر کس به گروه خاصی تعلق دارد! بعضی با دیدن تابلو و طرح‌ونقشه و رنگ‌وغیره مطالب را بذهن میسپارند و برخی دیگر با تکرار گفته‌ها و کلمات متنی را بخاطر میسپارند و یا بعضی دیگر تا صدای خود را از ضبط صوت نشنوند نمیتوانند مطلبی را در حافظه نگاه دارند .

اینحال موضوعات مفید و مضر و مطلوب و ناپسند در حافظه وی جای میگیرند. در این حال احساسات او تابع هیچ نظم و ترتیبی نیست و حتی

آورند. چگونه؟ کودک را مجبور میکنند تا روزانه چندین بار کارهای مشابه و یکسان را تکرار کند تا بصورت عادت در آید. بعنوان مثال الزام به نظافت و پاکیزگی، عادت تمیز بودن را در کودک بوجود می آورد و این عادت در حافظه ناخودآگاه کودک مستقر میشود. (بدیهی است روی سخن ما با اطفال طبیعی است).

از سویی کودک بکرات در روز بیدار پدر و مادر که از او مراقبت میکنند و بر او لبخند میزنند و نیازهایش را برآورده میسازند عادت میکند و آنها نیز بصورت جزئی از حافظه ناخودآگاه وی در می آیند.



قادر به طبقه بندی نیز نمیشد. خروار خروار موضوعات مختلف به حافظه کودک هجوم میاورند اما او فقط اندکی از آنها را در خود جای میدهد. در این سن وسال (تا سه سالگی) حافظه کودک فاقد قدرت طبقه بندی و تشکیل که از اجزاء لازم حافظه بادوام بشمار میرود، میباشد.

پس از آن چه اتفاقی می افتد؟
مغز کودک مثل اسفنج کامل وارد فعالیت میشود و هر آنچه را که گفتیم بخود جذب میکند و در

زمان به پیش میرود و کودک در ۴-۵ سالگی بعضی از خاطرات را تثبیت میکند. اینها معمولاً رویدادهایی هستند که بنظر او خوشایند و یا دلچسب و یا نامطلوب و دردناک میباشند. کودک در این دوران وابستگی کامل به محیط خانواده و عکس العمل های پدر و مادر دارد. در سن هشت سالگی ماشین حافظه بکار می افتد و رفته رفته قدرت مغزی اثرات خود را آشکار میسازد و این امر تا حدود سی سالگی بطول می انجامد. سپس کاهش تدریجی حافظه آغاز میشود لیکن این نقصان بدلیل ایجاد تعادل توسط سازمان طبقه بندی پر قدرت مغز کمتر خود را نشان میدهد و صاحب آن کمتر از همه متوجه این نقصان میگردد.

آنگاه نوبت دوران کهنلت میرسد. در این سن و سال حافظه آشکارا روبه ضعف و سستی میگردد. شگفت انگیز اینکه آخرین وقایع عمر دراز آدمی زودتر از حوادث ایام کودکی و شباب از خاطر زدوده میشوند!

عملکرد ماشین حافظه

حافظه مانند انبار و مخزن وسیع ذهن ما بشمار میرود. هر روز سیلابی از ماجراها و هیجانات و احساسات و رویدادهای زندگی بر آن هجوم میاورند و آن را لبریز میسازند. بسیاری از این وقایع را با میل و با اصرار در خود نگاه میداریم (مثل مواد درسی برای روز امتحان) اما برخی دیگر علیرغم میل باطنی در حافظه مان نفوذ میکنند و ما را از آنها گریزی نیست.

خاطراتی در مخیله ما شکل میگیرند که ما ابداً قصد نگهداری آنها را نداشتیم. پس بایستی نتیجه میرسیم که :

* - قسمت اعظم حافظه ما علیرغم تمایل ما وجود می آید؟

* - مغز ما بطور اتوماتیک و بدون توقف در بیشتر اوقات به ضبط وقایع مشغول است؟

* - کسی که حواس جمع و فکری باز و روشن دارد از امکان دارا بودن حافظه ای تیز و پر قدرت برخوردار خواهد شد.

حافظه یا جعبه کنسرو

آیا حافظه جعبه کنسرو غول پیکری است که در آن هرچه بخواهی یافت میشود و یا نوار ضبط است که بر آن هرچه بخواهی ضبط شده است و یا صفحه ای است که نیاز بسوزنی دارد تا آنرا بکار اندازد. پس از اینکه خاطرات در مغز ما جایگزین شدند تا زمانی که بدان نیاز داشته باشیم به همان حال باقی میمانند و آنگاه یک روز بی آنکه بخواهیم یا نخواهیم وارد ضمیر آگاهمان خواهند گردید. رویهمرفته کار حافظه به بهترین شرایط حفظ آنها در جعبه "کنسرو" مربوط میگردد.

غالباً "حادثه های خاطره ای را برای همیشه در حافظه ضبط میکنند و یا دقت لازم موجب اینعمل میگردد و با رابطه مشترک بین این دو پدیده بطور توأمان عمل میکند و بطور کلی نحوه تمرینهای مربوط به حافظه باین دو عنصر بستگی تام و تمام دارد.

پس باین نکته اشاره می کنیم که خاطرات :

* - نیاز به مغز دارند تا جلوه خود را نشان دهند.

* - مغز ما عضوی بسان اعضای دیگر است و طرز کار آن ممکن است خوب یا بد باشد و بعبارتی تعلیم آنرا بتوان عملی کرد و یا غیر مقصد دور دانست :

و منفرد" نیست و دولتی در دولت محسوب نمیشود لیکن همواره به کل قلمرو ذهنی مربوط میباشد (بار دیگر تکرار میکنیم که تربیت حافظه بدون پرورش مغز امکان پذیر نیست)

* - یادآوری خاطرات حلقه‌ای صورت میگیرد و یک حلقه حلقه دیگر را بیاد می‌آورد و همینطور تا آخر . تداعی معانی در حافظه نقش مهمی ایفا میکند و هر حافظه حلقه‌ای از مجموعه خاطرات بشمار می‌آید .

کروبی و رابطه آن با حافظه

حافظه ما یا ارادی است یا غیر ارادی . ابتدا بتعریف حافظه غیر ارادی میپردازیم که همچون ستاره سهیل میماند و هرگاه بدان نیاز داریم کمتر او را مییابیم . اما هنگامی که آنرا نمیخواهیم علیرغم میل درونی سر بطغیان برمیدارد و ما را از هیجانان و عواطف ناخواسته دیرپا لبریز میکند . مثالی میزنیم یک آدم خجالتی و کمرو را در سر جلسه امتحان در نظر بگیرید . بعید میدانم که او بتواند محفوظات خود را بیاد بیاورد هجوم افکار ناراحت کننده آغاز میشود . گویی مغز او را حفره سیاهی پوشانده است . آدم کمرو دست و پایش را گم میکند و آشفته حال هر چه بیاد داشته از یاد میبرد . اینک از حافظه ارادی و آگاهانه خبری نیست . زیرا حافظه دیگری آنرا واپس زده و حضور خود را اثبات نموده است . تداعی معانی قدرت عمل خود را از دست داده است (هیجانان و عواطف ناشی از شکست‌ها و عقده‌ها و ترمزها و اضطرابها و غیره حضور خود را آشکار میسازد) .

* - پس حافظه ما بستگی کامل به وضع و حالت مغزی ما دارد و روشن است که یک مغز خسته قادر نخواهد بود بسان یک مغز بیدار و فعال رویدادها و خاطرات را در خود ضبط کند :

* - حافظه قبل از هر چیز نیاز به تغذیه خوب و کامل مغز دارد :

* - این تغذیه برگردش خون و میزان اکسیژن خون و غیره بستگی دارد که در اینباره در صفحات بعد گفتگو خواهیم کرد .

حافظه خوب حافظه حاضر و آماده

حافظه ای را خوب مینامند که خاطرات مورد نیاز را فوراً در ضمیر آگاه حاضر گرداند . لیکن همه بر این مسئله آگاهیم که چنین امری بندرت اتفاق می‌افتد و بموقع آنچه را که میخواهیم در ذهن خود نمی‌یابیم و این موضوع بدلائیل مختلف صورت میگیرد که برخی از آنها عبارت است از خستگی ، اضطراب ، هیجان ، ترس و خجالت و پدیده‌های احساسی دیگر . در این لحظات حافظه ما منجمد باقی میماند و گویی آنچه را که میدانسته یکباره بپوته فراموشی سپرده است . این حالات بخصوص در نزد شاگردان در جلسات امتحان بکرات دیده شده است .

اینجا است که نقش مهم روانشناسی در یادگیری و حفظ معلومات آشکار میشود . البته در این باره بتفصیل گفتگو خواهیم کرد اما بد نیست بدانیم که :

* - حیات ذهنی ما هرگز متوقف نمیشود (حتی در خواب)
* - یادبود و خاطره یک " موضوع مجزا

و مناظر آن و برخی دیگر قسمت‌هایی از گفته‌های هنرپیشه‌ها و چندتایی هم هیجان‌ات و احساسات و افکار آنان را بخاطر می‌آورند. همانطور که قبلاً متذکر شدیم حافظه باشکال متفاوتی چون بصری شنوایی، عاطفی و ذهنی و غیره تقسیم میشود.

حافظه یکی از پیچیده‌ترین حالات نفسانی است که تعریف ساده‌ای از آن نمیتوان بدست داد و چه‌بسا که بعضی از تست‌ها بجای تقویت حافظه باعث گیجی و سردرگمی صاحب آن شود. بهر حال از دیر باز روانشناسان و پزشکان، فلاسفه

کمتر کسی است که دچار این حالات نشده باشد و باین علت در این باره زیاد سخن نمی‌گوییم فقط کافی است اشاره کنیم حافظه غیر ارادی ما بایستی توسط تداعی معانی بکار افتد و این نیز ناخواسته از تحرک باز می‌ایستد.

پس حافظه چیست؟

هر یک از اعمال مابعداد بیشماری بازتاب را بوجود می‌آورد. هر ثانیه از زندگی ما نتیجه میلیونها عمل گذشته و در عین حال از یادرفته



و متافیزیسین‌ها بررسی درباره ابعاد مختلف آن را آغاز کرده‌اند و هنوز که هنوز است راه حل قاطعی برای شناخت آن ارائه نداده‌اند. شاید بهمین علت باشد که پیشینیان به حرمت حافظه رب النوعی ساخته و پرداخته و برای آن احترامی قائل بودند.

ما است. بقول شارکو یکی از بنیانگذاران روانشناسی مدرن، حافظه استعداد و توانائی روح در ضبط و نگهداری احساس مبهم یا روشن و تاثیرات پیشین است این تاثیرات یا بطور ارادی و یا براهتی و یا بسختی در خاطر مازنده میشوند.

برای روشن شدن قضیه از کسانی که از سینما بیرون می‌آیند نظریاتشان را بپرسید. بعضی دکور

